

آشنائی با

« لطفی منصورى »

کارگردان ایرانی

« لطفی منصورى » تحصیلات دوره متوسطه را در دبیرستان فیروز بهرام پایان میرساند و خانواده اش او را با آمریکا میفرستند، و چون بسیاری از خانواده ها دوست دارند او پزشکی یا اقتصاد و یا رشته دیگری را از این گونه ادامه دهد.

لطفی جوان شیفته هنر است و در همین زمان هنگامی که در امریکا وارد دانشگاه پزشکی میشود پیش از هر چیز موسیقی را دوست دارد. شاید بتوان دلیل این تمایل بیش از اندازه را در کودکی او جستجو کرد، چه در آن هنگام مادرش شاگرد ابوالحسن صبا بوده و نزد او نواختن ویولن را آموخته است. لطفی از همان زمان با موسیقی آشنا میشود و آن دل میبندد. در امریکا لطفی منصورى در تمام کلاسهای موسیقی دانشگاه خود شرکت میکند و فراگیری موسیقی را در جوار آموختن پزشکی دنبال میکند. ابتدا نواختن پیانو و خواندن آواز را تجربه میکند، چندی بعد بتاتر، سینما و تلویزیون روی میآورد و دست آخر اپرا را مییابد و شیفته آن میشود. تمام رشته های هنری برای او عرصه ای است برای تجربه اندوزی و کار کردن. گاه پیازی گری در فیلمهای تلویزیونی می پردازد و گاه دست اندر کار سینما و تاتر میشود. ولی همواره موسیقی را،

آموختنش را. گوش فرادادن بآنها، و تجربه کردنش را ادامه میدهد، و شانس با او یاری میکند زیرا که در همان زمان استراوینسکی، شو نبرگ، برونو والتر و نیز برجستگان دیگری در امریکا هستند و او میتواند از نزدیک در جریان کار آنها باشد. عاقبت زمانی میرسد که لطفی منصورى درمییابد که راه اصلی اش اپرا است و طبیعی است که بدان سو کشیده میشود. اپرا برای او هنریست یافته از هر آنچه او دوست دارد و از اینرو هنگامی که سخن از کارگردانی اپرا پیش میآید برای او سخن از بازیگری و کارگردانی تاتر، موسیقی و بقیه چیزهایی است که جستجوگر آن است. از جانب اپرای زوریخ برای کارگردانی از لطفی منصورى دعوت میشود و این درست هنگامیست که او پی برده است که هرگز نمیتواند پزشک خوبی باشد. این دعوت را میپذیرد و همکاری با اپرای زوریخ را آغاز میکند که پنج سال دوام مییابد و در این میان بارها بعنوان کارگردان میهمان بکشورهای دیگر سفر میکند. پس از آن همکاری خود را با «گراند تاتر» ژنو آغاز میکند که تا با امروز ادامه یافته است. با اعتقاد منصورى اپرای خوب اپرائی نیست که تنها موسیقی دلچسبی داشته باشد و یا دارای صداهای خوبی باشد بلکه اپرای خوب باید از تمامی جهات کامل باشد و تمام عناصر تشکیل دهنده آن بگونهای دقیق و زیبا در جای خود قرار گرفته باشند. و میگوید من کارگردانی چنین اپرائی را دوست دارم چرا که در اینجا محدود نیستم و میتوانم برآستی کارگردانی کنم. لطفی منصورى «اپرای کارمن» را دوست دارد و کارگردانی آن بویژه با وجود خوانندههای جوان و مستعد که هیچیک تاکنون «کارمن» را کار نکرده اند برایش بسیار دلپذیر است. با اعتقاد او کارگروه اپرای تهران در مدت کمتر از چهار سال بسیار موفق است، و امیدوار است که روز بروز این توفیق بیشتر گردد. منصورى از نتیجه کار خود با این گروه خیلی راضی است و این نتیجه برایش اهمیت بسیار دارد. ۲۳ سال است که ایران را ندیده است و اکنون بار دیگر در این کشور بسر میبرد و بر روی اثری کار کرده است که از آثار مورد علاقه اوست و کارگردانی آن را بسیار دوست دارد. بدین ترتیب طبیعی است که نتیجه اینچنین برایش دارای اهمیت باشد. منصورى اجرای اپرای «عروسی فیگارو» را در ایران دیده است

و ترجمه اپرا را بفارسی، بویژه در مورد اپرایی چون «عروسی فیکارو» بسیار
ضروری و در راه شناختی که مردم از اپرا پیدا خواهند کرد بسیار موثر و
سازنده میدانند.

لطفی منصوری امیدوار است که بتواند همکاریش را با «گروه اپرای
تهران» ادامه دهد و در فرصت‌های مناسبی که پیش آید در ایران با اجرای برنامه
بپردازد.



ژوئیه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی